شهید قاسم سلیمانی | شهید سیدحسن نصرالله | شهید ابومهدی المهندس | شهید مصطفی چمران | شهید ادواردو آنیلی | شهید حسن شاطری | شهید حسن طهرانی مقدم | شهید حسین همدانی | شهید محسن فخری‌زاده | شهید صیاد شیرازی | شهید محسن حججی | شهید سیدمحمدباقر حکیم | شهید عماد مغنیه | شیخ ابراهیم زکزاکی | دکتر رمضان عبدالله | سردار ابراهیم محمدزاده

یادی از سردار شهید رضا چراغی
از فرماندهان لشکر محمد رسول‌الله(ص)

فرماندهی شجاع با قلبی مهربان

سعید رضایی

سردار شهید رضا چراغی یکی از فرماندهان برجسته و با اخلاق دوران دفاع مقدس بود که ۲۵ فروردین در سال ۱۳۶۲ به شهادت رسید. این شهید از جمله شخصیت‌هایی بود که در عرصه فرماندهی با شجاعت و دلسوزی در خط مقدم جبهه حضور داشت و در هدایت و رهبری نیروهای خود نقش مهمی ایفا کرد. به مناسبت فرا رسیدن سالگرد شهادت این سردار شهید، به ویژگی‌ها و تاثیرات شهید چراغی در دوران دفاع مقدس اشاره می‌کنیم.

فرماندهی با جسارت و درایت

شهید رضا چراغی متولد ۱۳۳۷ در تهران بود. این شهید از ابتدای جنگ تحمیلی در کنار سایر جوانان ایرانی به جبهه‌های جنگ پیوست و با فعالیت‌هایش در بسیج و سپاه، به سرعت در میان رزمندگان شناخته شد. وی به عنوان فرمانده گردان در لشکر محمد رسول‌الله (ص)، نقشی مهم در عملیات‌های مختلف ایفا کرد. فرماندهی او از ویژگی‌هایی چون جسارت، درایت و توانمندی بالا در مدیریت نیروها برخوردار بود. شهید چراغی نه تنها فرماندهی شجاع، بلکه انسانی با قلبی مهربان و دلسوز برای رزمندگان خود بود.

نقش شهید رضا چراغی در جبهه

شهید چراغی در دوران جنگ تحمیلی به ویژه در عملیات‌های بزرگی مانند عملیات‌های بیت‌المقدس و فتح ۴، حضوری فعال داشت. او با شناخت دقیق از نیازهای رزمندگان، همواره سعی داشت تا با توجه به توانایی‌های نیروهای خود، بهترین تصمیمات را در میدان جنگ بگیرد. فرماندهی او در زمان عملیات‌ها و مواجهه با شرایط سخت جنگ، همواره به تقویت روحیه رزمندگان کمک می‌کرد.

شهید چراغی همچنین به عنوان فرمانده، در مناطق مختلف جبهه‌های غرب و جنوب کشور فعالیت داشت و در بسیاری از عملیات‌های حساس با مدیریت دقیق و شجاعانه، موفقیت‌های چشمگیری به دست آورد. یکی از ویژگی‌های برجسته او، توجه ویژه به وضعیت روحی و روانی نیروهای خود بود، به طوری که در کنار وظایف فرماندهی، همواره به ارتقای روحیه و همبستگی نیروهایش اهمیت می‌داد.

شهادت شهید چراغی

شهید رضا چراغی در سال ۱۳۶۲ و در جریان یکی از عملیات‌های بزرگ در منطقه غرب کشور، به شهادت رسید. او در عملیات‌های مختلف، خود را در معرض خطر قرار می‌داد تا با هدایت نیروهایش، دشمن را شکست دهد. سرانجام در همان عملیات، در اثر اصابت تیر دشمن به شهادت رسید. شهادت او ضایعه‌ای بزرگ برای لشکر محمد رسول‌الله (ص) و برای تمامی رزمندگان اسلام بود.

تاثیرات و میراث شهید رضا چراغی

شهادت شهید چراغی نه تنها ضایعه‌ای برای خانواده‌اش و رزمندگان لشکر محمد رسول‌الله (ص) بود، بلکه یک پیام بزرگ داشت: ایثار، فداکاری و فرماندهی در میدان جنگ هیچ‌گاه از ذهن و قلب مردم ایران محو نخواهد شد. میراث شهید چراغی در واقع به روحیه جهاد و ایستادگی در برابر دشمنان اسلام و میهن مربوط می‌شود.فرماندهانی چون شهید چراغی با فداکاری‌های خود، مفاهیم شجاعت، صداقت، و ایمان را در دل رزمندگان زنده نگه می‌داشتند و یاد و نام آن‌ها همواره به عنوان نمادهای مقاومت و دلاوری در تاریخ ایران باقی خواهد ماند.شهید رضا چراغی با شخصیت برجسته و فرماندهی دلسوزانه‌اش، در دوران جنگ تحمیلی نقش مهمی ایفا کرد و در نهایت جان خود را فدای دفاع از میهن و آرمان‌های انقلاب اسلامی کرد. او یکی از الگوهای برتر فرماندهی در جنگ ایران و عراق به شمار می‌رود که همواره با شجاعت، از خودگذشتگی و اخلاص در خط مقدم جبهه‌ها حضور داشت. یاد و خاطره او همیشه در دل مردم و رزمندگان زنده خواهد ماند.

بخشی از وصیت‌نامه

در بخشی از وصیت‌نامه شهید رضا چراغی آمده است:

«ای همه کسانی که سفارشم به گوش و دیده‌تان خواهد رسید، مبادا روحانیت را تنها بگذارید. بدانید که تمام تلاش ابر قدرت‌ها در از بین بردن اسلام، روبه‌روی روحانیت قرار دارد. شاهد این مدعا را در اسناد لانه جاسوسی بخوانید که چه قدر آمریکا از ملا می‌ترسید. با یک نمود عینی در همین صد سال اخیر ببینید هر جا کوچک‌ترین حرکت، قیامی، جنبشی شده با رهبری همین روحانیت بوده، قیام سید جمال‌الدین اسدآبادی، نهضت و جنبش تنباکو، قیام میرزا کوچک خان جنگلی، قیام شیخ محمد خیابانی، نهضتی که میرزای اول در عراق آغاز نمود و با یک فتوا مردم، با بیل استعمار انگلیس را بیرون راندند، نهضت شیخ محمد عبده، نهضت اخوان‌المسلمین با رهبری حسن البناء و سید قطب، جنبش مشروطیت با رهبری آیت الله طباطبائی و بهبهانی و الی آخر، تمامی اینها با رهبری روحانیت بوده و وقتی این سخن امام را به یاد می‌آورم که چرا می‌خواهند این قدرت را بشکنید. شکست روحانیت، شکست اسلام است، به فکر می‌افتم که چرا؟ چرا؟ من خود امام عزیز و رهبر انقلاب را هم در یک جریانی به نام روحانیت می‌بینم؛ نه مانند آن گروه منحرف که امام را تنها می‌بینند، من استمرار حرکت انبیاء را ولایت فقیه می‌دانم و برایم مشخص شد که پس از ۴۰ سال فقیه بزرگوار آیت ا... منتظری در همین جریان روحانیت ادامه دهنده راه اوست و باز به شما برادران و خواهرانم گوشزد می‌کنم که روحانیت را کنار مگذارید.

سفارش دوم من درباره سپاه می‌باشد به عنوان بازوی مسلح ولایت فقیه و روحانیت؛ باید سپاه آن چنان شود که پاسداران به عنوان فریضه واجب خدمت نمایند، نه به عنوان شغل. چرا که این دو بازوی ولی فقیه سپاه و روحانیت شغلی ندارند و نباید سپاهی بودن و روحانی بودن را شغل حساب نمود، چه قدر ابر قدرت‌ها از این سپاه نو پا می‌ترسند؛ چرا که برادر سپاهی به عنوان فریضه وارد سپاه می‌گردد، نه حق مأموریت می‌خواهد؛ نه فوق‌العاده بدی آب و هوا، بلکه هر کجا که سخت‌تر باشد وارد می‌شود که اجرش عظیم‌تر است.

قبلاً اگر ترس ما از لیبرال‌ها بود که مبادا خط امام را خدشه‌دار کنند، اکنون دیگر لیبرال‌ها به زباله‌دان تاریخ افتاده‌اند و انقلاب سوم هم پیروز شد. منافقین که در تدارک بودند که پس از حیات امام، نهضت را منحرف نمایند زودتر روی آب آمدند و رو در روی ملت مسلم قرار گرفتند. تلاش تمامی شما باید این باشد که ریشه منافقین بدتر از کفار را برکنید و در این صورت آمریکا باید تا صدها سال گورش را گم کند و دست از ایران بشوید و منتظر باشد که دیگر ما به سراغ او برویم. »

به یاد شهید سید احمد پُلارک

چشمی به راه صبح نشسته

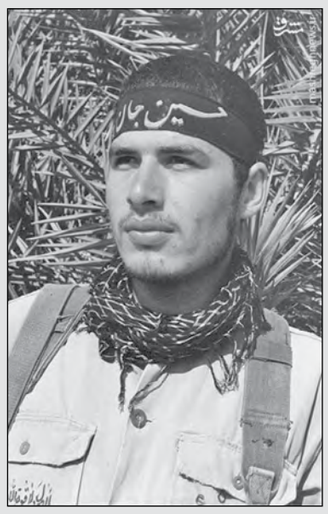

کنار پنجره تنها، چراغ و دفتر و گلدان
چفیه‌ای که کشیدند روی حافظ و قرآن
چقدر عکس قدیمی، میان قاب شکسته
چقدر دکمه و سوزن، به روی قالی ایوان
صدای ضد هوایی، زمان فتح رسیده
شب شهاب و منور، بیا به قلب خیابان
در این هوای مقدس، شبیه ابر شمالم
مرا ببر به زیارت، مزار سبز شهیدان
شهید سید احمد، شهید پاک و معطر
بهشت می‌چکد از این گلاب چشمه جوشان
چگونه چشم پُلارک به راه صبح نشسته
به من بگو که بدانم که شسته این تن و این جان؟
دوباره حال و هوای پرندگان مهاجر
کشیده پای غزل را به قلب زخمی طوفان
کنار شاخه زیتون، شکسته دست نهالی
صدای قدس و تنفس میان نقشه ایران
کجاست مسجدالاقصی که آستانه صبرم
به سر رسید و نیامد به سر ولی شب هجران
برای فرصت رویش، در آسمان رفاقت
بیا به باغ تغزل، بیا به شام غریبان
میان مستی دنیا، به هوش باش که تنها
دلم خوش است به روضه، دلم خوش است به قرآن

ونوس جامی‌پور

* تاریخ شهادت:
۲۲ فروردین ۱۳۶۶

روایت صدثانیه‌ای

حسرتی که به دل ماند

ابوالقاسم محمدزاده

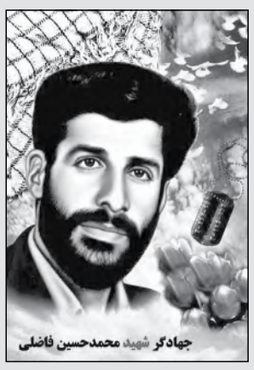
جهادگر شهید محمدحسین فاضلی

پدرش می‌گفت:

- مراحل پایانی ساخت منزلمان رو به اتمام بود، حسین در تمام مراحل ساخت کمک حالمان بود و دست‌هایش حسابی تاول زده بود. عصر که خسته از کار بنایی به خانه برگشته بودیم؛ گفت:

- پدر! دیگر کار ساختمان به آخر رسیده! اگر اجازه بدهی می‌خواهم به منطقه برگردم. به او گفتم:

- پسرم! تو به تناسب سنت خدمت کرده‌ای. تو بمان و بگذار آنهائی که به منطقه نرفته‌اند به جبهه بروند.

چیزی نگفت. ساکت نشسته بود. وقت نماز که شد و جانماز پهن کردم تا نمازم را بخوانم. جلو آمد و خیلی با احترام جانمازم را جمع کرد. اعتراض که کردم گفت:

- یه عمره داری نماز می‌خونی. این‌همه بی‌نماز هست! اجازه بده کمی هم بی‌نمازها نماز بخونند... سرجایم نشستم. حسینم رفت و حسرت جواب منطقیش، سال‌هاست که تو دلم مونده...

موضوع: جهادگر شهید محمدحسین فاضلی

شبیه یک رؤیا...

عادله اصفهانی

نرم‌افزار مسیریاب گوشی را باز می‌کنم تا از حدسی که زده‌ام مطمئن شوم. دنبال «رسالت ۸۱» می‌گردم. دیشب که از حرم آمدم بیرون، درست همینجا که الان ایستاده‌ام، کنار همین ستون، دو تا پسر بچه بساط کرده بودند و واکس می‌زدند.

نگاهم افتاد به کفشی که پای کسی درونش بود و همین‌طور داشت واکس می‌خورد. لبخندی زدم. ناشیانه به نظر می‌رسید. پاهای آدم‌های دیگر هم که دور و برش بود، نشان می‌داد جمع شده‌اند ببینند چه خبر است. برایم خیلی عادی بود؛ بارها دیده بودم همین جا، بیرون حرم امام رضا (علیه‌السلام)، کنار همین ستون، کسی نذر کرده و صلواتی واکس می‌زند.

داشتم بی‌تفاوت رد می‌شدم که صدایی گفت: «کمک به جبهه مقاومت.»

فکر کردم لابد کودکان کار هستند و با این ترفند می‌خواهند پولی به جیب بزنند. دوست نداشتم حدسم درست باشد، برای همین خواستم بروم ته و توی قضیه را در بیاورم. دورشان که خلوت شد، رفتم سمتشان.

- میشه ازتون عکس بگیرم؟

با سر تایید کردند. دو تا پسر بچه چشم بادامی بودند در سن و سال دبستان. یکی‌شان پای ستون، کنار بساط نشسته بود و ژاکتش را روی دوشش انداخته بود. آن یکی هم که کوچک‌تر به نظر می‌رسید، کاپشن مشکی داشت با خط‌هایی جگری. راه می‌رفت و با صدای بلند می‌گفت: «کمک به مقاومت... واکس بزنید برای کمک به مقاومت...»

چند تا عکس گرفتم و پرسیدم: «چطور به مقاومت کمک می‌کنید؟»

اشاره کرد به بساطشان.

- واکس می‌زنیم و این چیزها رو می‌فروشیم و پولش رو می‌دهیم.

حس کردم دست‌پاچه شده‌اند.

- از کجا اومدین؟

این سؤال را پرسیدم که اگر فروشنده باشند و بخواهند پولی به جیب بزنند، لابد دست و پایشان را گم می‌کنند و لو می‌روند.

- مسجد امیرالمؤمنین، رسالت ۸۱...

چشم‌هایم از تعجب گرد شد. این آدرس دقیق نشان می‌داد که راست می‌گویند.

با ذوق پرسیدم: «چطور به فکرتون رسید این کارو بکنید؟»

دو نفری با هم جواب دادند: «مربی‌مون گفته...»

نگاهم افتاد به بساطی که پهن کرده بودند. یک واکس و دو تا برس. چند تا کتاب نازک و مجله کوچک خوانده شده که به نظر نمی‌آمد کسی آن‌ها را بخرد. دو سه تا بسته چند گرمی سبزی خشک و ادویه هم در بساطشان بود.

اسم‌هایشان را پرسیدم. «محمد مهدی» بساط پهن کرده بود و واکس می‌زد. «محمدحسین» هم آدم‌ها را صدا می‌زد برای کمک به مقاومت.

شبیه آدم بزرگ‌هایی که می‌خواهند کارهای کوچک بچه‌ها را حتی شده به صورت مصنوعی تشویق کنند، گفتم: «تا حالا چقدر پول برای مقاومت جمع کردین؟»

_ یک... یک میلیون و خورده‌ای...

با خودم گفتم: «خدای من یک میلیون و خرده‌ای؟!»

البته خورده‌اش را هم گفت، ولی من از تعجب یادم رفت چقدر بود.

- مگه چند روزه میاین این‌جا و واکس می‌زنید؟

- حرم که امروز اومدیم، ولی روزهای قبل جلوی مسجد خودمون بودیم.

یک لحظه ایستادم. وقتی دو سه دقیقه قبل، می‌آمدم که عکس بگیرم، من یک آدم بزرگ بودم و آن‌ها بچه‌های کوچکی بودند که شاید می‌خواستند جنسشان را بفروشند و پولی به جیب بزنند، اما حالا در چشمم از «السابقون» بودند و من جا مانده‌ای بیشتر نبودم.

حالا امشب هم همان موقع آمده‌ام حرم و عمداً از همین در خارج شدم تا ببینمشان. نرم‌افزار نشان را نگاه می‌کنم. حدسم درست است؛ اصلاً خیابانی که ۸۱ کوچه داشته باشد، حتی وسط شهر هم که باشد، از ته شهر سر در می‌آورد. پیدایش می‌کنم: مسجد امیرالمؤمنین، کوچه ۸۵. نزدیک جاده سیمان. جایی شبیه انتهای شهر.

چشم می‌کشم پای همان ستون تا پیدایشان کنم و سؤال‌های ناتمام دیشبم را بپرسم: «شما کلاس چندم بودین؟ اصلاً وضع مالی خودتان خوب است؟ ایرانی هستین یا افغانستانی؟ راستی واکسی چند؟»

اما پیدایشان نمی‌کنم، دیدنشان شبیه یک رؤیا بود...

نیازمندی‌های کیهان
قبول آگهی تلفنی
از ساعت ۸ صبح الی ۶ بعدازظهر
تلفن: ۵-۳۳۱۱۲۲۹۲
فکس: ۳۳۱۱۸۰۵۳
niyaz.mandiha@kayhan.ir

۳۳۱۱۰۲۰۲ | ۳۳۱۱۳۵۱۹ | ۳۳۱۱۰۲۱۰ | ۳۳۱۱۸۰۵۰

مرکز: ۳۳۱۱۰۲۰۸ | ۳۳۱۱۲۱۹۳ | ۳۳۹۱۱۵۶۸ | ۳۳۱۱۲۲۹۱ | ۳۳۱۱۹۲۳۶ | ۳۳۱۱۳۰۸۵ | ۳۳۱۱۲۱۹۵ | ۳۳۹۴۲۰۰۰

جنوب: سعدی ۳۳۹۶۲۲۳۳ - ۳۳۹۶۲۲۱۱ | شرق استان تهران ۳۶۲۵۷۰۷۴ | اسلامشهر ۵۶۳۴۴۳۴۳ | چهاردانگه ۵۶۳۵۹۵۹۸

شمال: قلهک ۲۲۶۰۳۶۳۵ | شمیران ۲۲۷۱۲۹۷۶ | مطهری ۸۸۹۰۰۸۶۷ - ۸۸۸۰۱۵۵۲ | شهرآرا ۶۶۵۹۲۲۶۶-۶۶۵۹۳۰۱۰-۱۱

قبول آگهی تلفنی
از ۸ الی ۱۸
تلفن: ۹-۳۳۱۱۲۲۹۱ و فکس ۳۳۱۱۸۰۵۳

حمل و نقل
متصدی حمل هوایی زمینی دریایی و ریلی کالای وارداتی صادراتی ترانزیت، بازرگانی و ترخیص کالا ۰۹۱۲۳۵۷۶۵۷۶

گوناگون

خرید و فروش انواع خودرو
«خریدار نقدی فرسوده»
انواع خودرو و تمام مدل‌ها حتی مدارک ناقص و موتور سوخته
۰۹۱۲۲۵۸۶۸۴۲
۰۹۱۲۰۷۰۶۴۸۷

مجله
موتورسیکلت را از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید
۰۹۱۲۷۷۵۳۲۴۸

استخدام

آگهی‌های مفقودی

برگ سبز موتورسیکلت امیر ۱۲۵CC مدل ۱۳۸۶ به رنگ قرمز به شماره موتور ۸۷۱۰۰۳۰۸ به شماره شاسی NEF***۱۲۵N۸۶۰۴۸۰۳ به شماره پلاک ۶۲۵۶۴ ایران ۱۲۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز، سند کمپانی و کارت مشخصات خودرو سواری سایپا ۱۳۱SE به شماره پلاک ۲۳۵ ص ۲۳- ایران ۱۴ به رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۹۵ و شماره موتور M۱۳۵۶۷۳۲۶۶ و شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰G۳۴۹۹۲۳۲ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند و شناسنامه مالکیت صادره از راهنمایی و رانندگی خودرو کامیون کمپرسی بنز ۱۹۲۱ به شماره پلاک ۴۶۵۲۹- شیراز ۱۴ به رنگ نارنجی مدل ۱۳۶۴ و شماره موتور ۱۰۰۴۷۵۹۰ و شماره شاسی ۱۶۵۶۷۷۸۷ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت شناسایی اینجانب فرشید عسگری به شماره کارمندی ۱۱۳۳۴۸۰ مربوط به شرکت هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران هما مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز وانت سایپا ۱۵۱ به شماره انتظامی ۴۷۹ق۹۶ ایران ۹۳ مدل ۱۴۰۳ موتور M۱۳۶۷۰۲۲۸۸ شاسی NAS۴۵۱۱۰۰R۴۹۲۰۰۵۹ به نام بتول باقرپور مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

برگ سبز خودروی هاچ‌بک سیستم پژو تیپ tu۳ ۲۰۶ مدل ۱۳۹۰ به رنگ سفید روغنی به شماره موتور ۱۴۱۹۰۰۷۹۱۸۰ به شماره شاسی NAAP۰۳ED۲CJ۵۶۰۸۸۲ به شماره پلاک ۸۹۲ د ۷۲ ایران ۸۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی و شناسنامه مالکیت صادره از راهنمایی و رانندگی خودرو کامیون بنز ۱۳۱۳ به شماره پلاک ۵۴۹۸۱- شیراز ۱۴ به رنگ نارنجی مدل ۱۳۶۵ و شماره موتور ۱۰۰۲۳۶۰۵ و شماره شاسی ۵۵۰۰۴۶۹۰ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز سواری پژو پارس TU۵ به شماره انتظامی ۷۸د۴۲۷ ایران۶۳ مدل ۱۴۰۱ موتور ۱۳۹B۰۲۶۹۶۳۵ شاسی NAAN۱۱FE۴NH۸۶۵۹۲۴ به نام علی رنجبر مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

برگ سبز و کارت مشخصات وانت پیکان ۱۶۰۰ آی دوگانه سوز کارخانه به شماره انتظامی ۸۶۴ج۲۳ ایران۶۳ مدل ۸۶ موتور ۱۱۴۸۵۰۰۹۸۳۵ شاسی IN-۱۴۱۰۸۷۲۷ به نام علی برزگر مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

چون شهرداری شیراز مالک کامیون کمپرسی بنز ال‌کا ۱۹۲۱ به رنگ نارنجی مدل ۱۳۶۴ به شماره انتظامی ۴۶۵۲۹- شیراز ۱۴ دارای شماره موتور ۱۰۰۴۷۵۹۰ و شماره شاسی ۱۶۵۶۷۷۸۷ به علت فقدان سند کمپانی تقاضای صدور المثنی نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مدت مذکور طبق ضوابط اقدام خواهد گردید.

چون شهرداری شیراز مالک کامیون کمپرسی بنز ال‌کا ۱۳۱۳ به رنگ نارنجی مدل ۱۳۶۵ به شماره انتظامی ۵۴۹۸۱- شیراز ۱۴ دارای شماره موتور ۱۰۰۲۳۶۰۵ و شماره شاسی ۵۵۰۰۴۶۹۰ به علت فقدان سند کمپانی تقاضای صدور المثنی نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ نشر آگهی با در دست داشتن مدارک کافی به دفتر شرکت ایران خودرو دیزل واقع در تهران کیلومتر ۸ جاده ساوه مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مدت مذکور طبق ضوابط اقدام خواهد گردید.

برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری فونیکس، تیپ ARRIZO۶ GT به رنگ مشکی، مدل ۱۴۰۳ ، به شماره انتظامی ۹۷۲ ج ۹۴ ایران ۵۶، شماره موتور MVMF۴J۱۶BCR۰۰۰۴۰۷ و شماره شاسی NATGCART*R۱۰۰۰۷۶۱ متعلق به آقای مهدی صدیقی فشتالی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.(سیاهکل)

برگ سبز و کارت ماشین خودروی سواری رنو ۵ به شماره انتظامی ۳۴۹ ق ۲۵ ایران ۸۷ با شماره موتور ۰۵۷۳۲۰ و شماره شاسی ۲۵۵۴۲۹ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.(زنجان)

برگ سبز و کارت مشخصات سواری سایپا ۱۳۱ SX به شماره انتظامی ۳۸۹۱۸ ایران ۷۳ مدل ۹۰ موتور ۴۱۹۷۷۸۶ شاسی S ۳۴۱۲۲۹۰۹۴۱۴۶۳ به نام محبوبه شکیبا مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

برگ سبزسواری سیستم پژو تیپ ۴۰۵GLX_XU۷ مدل ۱۳۹۳ رنگ نقره‌ای_ متالیک به شماره موتور ۱۲۴K۰۴۲۱۸۲۷ وشماره شاسی NAAM۰۱CA۱EH۴۷۹۹۳۶ و شماره پلاک ۶۶۱ ن ۹۵ ایران ۲۴ بنام فریده جان بریان مفقودوازدرجه اعتبار ساقط است. (شوشتر)

برگ‌سبز پرایدصبامدل۱۳۸۲ شماره انتظامی ۱۹۳ج۷۷ ایران۸۹شماره موتور ۰۰۴۷۸۹۷شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۳۶۹۶۱ بنام محمد رضایی مفقود واز درجه اعتبارساقط میباشد. (بوئین زهرا)

برگ سبز خودرو پراید مدل ۸۷ به شماره انتظامی ۲۲۶ ن ۵۶ -- ایران ۴۱ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۵۴۶۱۱۰ و شماره موتور ۲۶۵۳۸۰۷ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (بروجرد)

اسامی ۱۳ نفر از فرزندان تحت پوشش شیرخوارگاه شبیر

نام مستعار کودک: مرسده
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲
ارجاع دهنده: بیمارستان شهدای تجریش

نام مستعار کودک: سپنتا
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: نوید
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵
ارجاع دهنده: بیمارستان بهارلو

نام مستعار کودک: آراز
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی ملارد

نام مستعار کودک: فرشاد
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۶
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: توحید
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: مهرسانا
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی قرچک

نام مستعار کودک: کایان
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵
ارجاع دهنده: بیمارستان اکبرآبادی

نام مستعار کودک: لیا
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶
ارجاع دهنده: بیمارستان اکبرآبادی

نام مستعار کودک: اسماء
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۱/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۳
ارجاع دهنده: بیمارستان مهدیه

نام مستعار کودک: رایکا
تاریخ تولد: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۰
ارجاع دهنده: اورژانس اجتماعی شهرستان ملارد

نام مستعار کودک: روزبه
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶
ارجاع دهنده: بیمارستان بهارلو

نام مستعار کودک: سالار
تاریخ تولد: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲
ارجاع دهنده: بیمارستان جامع بانوان آرش

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت طوفان ماشین سهامی خاص
بشماره ثبت ۹۹۴۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۳۴۴۰۳

بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۲/۸ در محل دفتر مرکزی شرکت برگزار می‌گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره و تعیین سمت اعضا و دارندگان حق امضا
۳- انتخاب بازرسان شرکت
۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار شرکت
۵- سایر موارد

هیئت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
شرکت ورنکو سهامی خاص بشماره ثبت ۲۰۳۸۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۶۵۹۲۸۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران یا نمایندگان قانونی آنها دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۲/۸ در محل دفتر مرکزی شرکت برگزار می‌گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱- تصویب ترازنامه و حساب و سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۴۰۳/۱۲/۳۰
۲- انتخاب اعضای هیئت مدیره و تعیین سمت اعضا و دارندگان حق امضا
۳- انتخاب بازرسان شرکت
۴- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار شرکت
۵- سایر موارد

هیئت مدیره

دعوت به همکاری
موسسه ای از افرادی با شرایط زیر برای بخش های کارگری و کارمندی خود دعوت به همکاری می نماید.
◆ واحد فنی: ۴ نفر مرد - با تحصیلات دیپلم
◆ واحد خدمات: ۵ نفر مرد - با تحصیلات حدود دیپلم
◆ امور مالی: ۳ نفر فارغ التحصیل کارشناسی حسابداری
◆ امور اداری: ۳ نفر آشنا به تایپ فارسی
متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۳۳۱۱۸۳۳۳ - ۰۲۱ تماس حاصل نمایند.

ویژه‌نامه تخصصی خودرو
با مطالبی متنوع و کادری ورزیده با آخرین اخبار روز بهترین مکان جهت درج آگهی‌های شما

با حضور در نیازمندی‌های روزنامه کیهان دامنه کار خود را گسترش دهید